

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

فرستنده: جهانگیر

۱۱/۰۲/۱۵

ادبیات و هنر

دریچه

ای کاش

تمام خیابان شهر
جنگل بود...!



شعری از «خسرو گل سرخی»^(۱)

به یاد جنگلی ها

جنگل «کوچک»^(۲)

جنگل سیاهکل^(۳)

و...

«گویی درخت های «سیاهکل»

تا دشت و شهر ریشه دوانده ست

که غرش سلاح و جوشش خون شهید

هردم فزونی می گیرد.

بذری که «کوچک» و «عمواوغلی»^(۴) پاشیدند

اکنون نهال می شود

اکنون نهال ها...»^(۵)

جنگلی ها...



(«جزنی پرده» سیاهکل اثر «بیژن»)

۱

قلب بزرگ ما،
پرندۀ خیسی است
بنشسته بر درخت کنار خیابان
در زیر هر درخت
صدها هزار برهنه بیدار
از تیر
جنگل!

ای کاش قلب ما
می خفت بی هراس
بر گیسوان در هم نمناک ات.
ای کاش
تمام خیابان شهر
جنگل بود.

۲

جنگل،
گسترده در مه و باران
ای رفیق سبز
برجاده های برگ پوش وسیعت
بر جاده های پر از پیچ و تاب تو
هر روز مردی به انتظار نشسته

مردی به قامت یک سرو
 با چشم های میشی روشن
 مردی که از زمان تولد،
 عاشقانه می خواند
 ترانه ی سیال سبز جنگل را
 برای مردم شهر
 مردی که زاده تجمیع توست
 و هیمة های بی دریغ تو
 او را
 در فصل های سرد
 ادامه خورشید بوده است.

۳



ای شیر خفته،
 ای خال کوبی بر سینه شهید،
 بر ساعد بلند راه مجاهد
 کاپینک متروک مانده شگفت
 منویس
 منویس با «راش» (۶) های جوان،
 «این نیز بگذرد...»

۴

ای سبز به اندیشه های روز
 جنگل بیدار!
 در سایه سار روشن نمناک تو
 که بوی و عطر رفاقت می پراکند
 گلگون شده است
 چه قلب های تهور
 که سبزترین جنگل بود
 شکسته ست چه دست ها
 که فشفشه می ساخت

در سکوت شب هایت...
ه



روستای سیاهکل

ای پناه گاه خروسان تماشاگر
جنگل گسترده بر شمال
آن رعب نعره هایت
در فضای انبوهت
آیا تناورترین درخت نیست؟
وحشی ترین کلام تو اینک
حرکت برگ است
بر شاخه های جوان
۶

بر شانه های بلندت،
که از رفاقت انبوه شاخه هاست
بر جای استوار
خاکستری نشسته
خاکستری از حریق
که جان جاریست
در قلب مشتعل ما
مگذار باد پریشان کند
مگذار باد به یغما برد
از شانه های تو
خاکستری که از عصاره ی خون است.
۷

جنگل!
ای کتاب شعر درختی
با آن حروف سبز مخملیت بنویس
بر چشم های ابر،

بر فراز مزارع متروک: باران باران! (۷)

پی‌نویس‌ها:

۱. «خسرو گل‌سرخ»؛ [بهمن ۱۳۲۲ خ. - بهمن ۱۳۵۲] شاعر سوسیالیست و آزادیخواه مردم «ایران» که به سبب عقایدش به دست رژیم پهلوی به همراه رفیق هم‌رزم اش، «کرامت دانشیان» تیرباران شد.
 ۲. «میرزا یونس بن میرزا بزرگ» [۱۲۹۸ ق. - ۱۳۰۰ خ.]; معروف به «کوچک»، مردی آزادی‌خواه و مبارز که در پناه جنگل‌های انبوه گیلان، به مبارزه با استثمار و استعمار پرداخت. آرامگاه او در «سلیمان داراب رشت» است.
 ۳. دهستانی است از بخش «سیاهکل» و «دیلمان» شهرستان «لاهیجان». نبرد چریک‌های «جنگل سیاهکل»، بر علیه رژیم شاه، اعلام موجودیت «سازمان چریک‌های فدایی خلق» را رقم زد.
 ۴. «تاری وردیوف» معروف به «حیدر خان عمواغلی»؛ از مبارزان چپ، رادیکال و آزادیخواه.
 ۵. بخشی از شعر «خسرو گل‌سرخ» - به نقل از کتاب «پرندۀ ی خیس» دفتر دوم از مجموعه اشعار - به کوشش «کاوه گهرین» - نشر فرهنگ کاوش - بهار ۱۳۷۵
 ۶. نام چند گونه درخت جنگلی از دسته ی بلوط‌ها که پوست اش صاف و چوب اش بسیار محکم و با دوام است.
 ۷. به نقل از کتاب «پرندۀ خیس» دفتر دوم از مجموعه اشعار - به کوشش «کاوه گهرین» - نشر فرهنگ کاوش - بهار ۱۳۷۵
- ± نوشته شده در جمعه بیست و دوم بهمن ۱۳۸۹ ساعت ۱۱:۹ توسط کیوان باژن | یک نظر